

چکیده‌ی پایان‌نامه

نیمه نخست سده ۱۹/۱۳ شاهد ظهور یک جنبش نوین تبلیغی مسیحی بود که به نهضت بیداری انجیلی موسوم گشت. طولی نکشید که دامنه‌ی این موج جدید، مرزهای اروپا، آمریکا و آسیا را درنوردید. نخستین حضور و فعالیت مبلغان انجیلی در ایران با سال‌های آغازین حکومت سلسله‌ی قاجار هم‌زمان بود، اگرچه فعالیت‌های تبلیغی ایشان تا پایان این دوره ادامه داشت. این پژوهش با در نظر گرفتن برخی واقعیت‌های تاریخی، از جمله این که مبلغان مزبور در مسیر فعالیت خود با جامعه‌ی شیعه روبرو بودند که درست در همین زمان نوع جدیدی از تهدید غربی را به شکل تهاجم روس‌ها به درون مرز هایش، تجربه کرده بود، بر آن است تا کیفیت نخستین مراحل حضور و فعالیت این مبلغان را در خلال سال‌های حکومت فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۳/۱۸۳۴-۱۷۹۷) و محمد شاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰/۱۸۴۸-۱۸۳۴) بررسی نماید. افزون بر این واکنش جامعه‌ی ایرانی، بویژه حکام و کاربدستان دیوانی، علمای مذهبی و صوفیان، در مواجهه با این فعالیت‌ها خصوصاً نوع جدل‌نگارانه‌ی آن مورد توجه خاص قرار گرفته است.

نتیجه‌ی این بررسی نشانگر آن است که در گذر دوره زمانی یاد شده، فعالیت‌های انفرادی مبلغان انجیلی که تأکید خاصش بر تغییر مذهب ایرانیان مسلمان و اقدامات جدل‌محور بود و واکنش شدید و نسبتاً منسجم جامعه‌ی ایرانی را به دنبال داشت، به تدریج جایش را به فعالیت هیات‌های سازمان‌یافته‌ی اروپایی و آمریکایی داده است که محور کوشش‌های تبلیغی خود را بر توسعه‌ی روش‌های نوین آموزشی در میان اقلیت‌های مسیحی ایرانی استوار نموده بودند.

واژگان کلیدی: مبلغان مسیحی، هنری مارتین، رساله‌های جدلی، حکومت قاجاری، علما، صوفیان، جامعه‌ی ایرانی

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ



کارشناسی ارشد



دکتری

گرایش: تاریخ عمومی جهان

نام: جواد

نام خانوادگی: مرشدلو

نام پدر: امراله

سال تولد: ۱۳۵۷

ش.ش.: ۱۸۶۵

صادره از: نیشابور

سال ورود: مهر ۱۳۸۲

عنوان پایان‌نامه:

فعالیت‌های تبلیغی مبلغان مسیحی و واکنش جامعه ایرانی (۱۲۶۴-۱۲۱۳ ه ق)

استاد مشاور: دکتر محمد علی اکبری

استاد داور: دکتر علی اصغر مصدق

نمره و امتیاز: ۱۹ (نوزده تمام). درجه‌ی عالی

تاریخ دفاع: ۱۳۸۵/۶/۱۹

نشانی و تلفن:

خراسان رضوی، نیشابور، شهر خروین، خیابان شهدا، کوچه باغ

تلفن: ۰۹۱۵۳۵۲۳۱۶۲

سپاسگزاری

لازم می دانم مراتب امتنان خود را نسبت به همه‌ی بزرگوارانی که در مراحل مختلف نگارش و تدوین هین پژوهش به نحوی به بنده یاری رسانده‌اند، اعلام نمایم. از جناب دکتر کریم سلیمانی که در مقام استاد راهنما، بر کار این جانب نظارت نمودند تشکر می‌کنم. از جناب دکتر محمد علی اکبری که بر بنده منت نهاده، مسئولیت استادی مشاور را در جریان نگارش این پایان نامه عهده دار گشتند و فراتر از مسئولیت خویش رهنمود های ارزنده ای را ارائه نمودند بسیار سپاسگزارم. همچنین از استاد ارجمند، جناب دکتر علی اصغر مصدق که بنده را مفتخر نموده، داوری این تحقیق را بر عهده گرفتند، تشکر می‌کنم. لازم می‌دانم مراتب تشکر و احترام ویژه خود را نسبت به دوست فاضل و بزرگوارم جناب دکتر کیومرث قرقلو که همواره و خصوصا در جریان انجام این تحقیق راهنمای اینجانب بوده‌اند، اعلام نمایم. از جناب آقای محمد کاظم رحمتی نیز که بدون یاری ایشان امکان دستیابی به نسخه ای از میزان الحق کارل فاندرا فراهم نبود سپاسگزاری می‌کنم. در عین حال از مسئولان کتابخانه های مجلس شورای اسلامی، آستان قدس رضوی، بنیاد دایره‌المعارف و موسسه تاریخ معاصر نیز که با خوشرویی و محبت، امکان دستیابی این جانب را به منابع ارزشمند و بعضا منحصر به فرد از جمله نسخ خطی فراهم نمودند، سپاسگزارم. نهایتا شایسته است از دوستان عزیزم آقایان حسین صفر پور و مصطفی سبحانی که در جریان تدوین این پایان نامه کمک موثری به بنده نمودند تشکر نمایم. قطعا مسئولیت هر گونه کاستی مربوط به این تحقیق متوجه این جانب خواهد بود و امید وارم خوانندگان محترم این کاستی ها را بر حقیر ببخشایند.

فهرست مطالب

کلیات

- مقدمه..... ۱
- ۱- درباره‌ی موضوع..... ۱
- ۲- طرح مساله و پرسش های اصلی..... ۳
- ۳- پیشینه و ادبیات تحقیق..... ۴
- ۴- روش و نوع تحقیق..... ۸
- ۵- دشواری ها و موانع..... ۸
- ۶- مفاهیم کلیدی..... ۹
- ۷- سازمان تحقیق..... ۹
- ۸- بررسی و نقد منابع..... ۱۱

فصل مقدماتی: فعالیت های تبلیغی مسیحی و تحولات تاریخی آن؛ بررسی اجمالی

- مدخل..... ۱۸
- نگاهی کوتاه به تحولات تاریخی تبلیغ در مسیحیت از آغاز تا قرن نوزدهم / سیزدهم..... ۱۹
- دوره‌ی فعالیت های تبلیغی حواریون و رسولان..... ۲۰
- از صدور فرمان میلان تا آغاز عصر جدید..... ۲۱
- عصر اکتشافات و گسترش دامنه‌ی تبلیغ..... ۲۳
- فعالیت های تبلیغی در سده های هجدهم و نوزدهم / دوازدهم و سیزدهم..... ۲۶
- فعالیت های تبلیغی و ارتباط آن با گسترش جویی قدرت های غربی..... ۲۹
- جنبش های تبلیغی انجیلی و روشنگری..... ۳۵

فصل یکم: فعالیت های تبلیغی مسیحی در ایران نیمه‌ی نخست سده‌ی سیزدهم / نوزدهم

- الف: پیش گامان تبلیغات مسیحی در دوره‌ی آغازین قاجار..... ۴۰
- ژوزف سباستیانی..... ۴۲
- هنری مارتین..... ۴۳
- ژوزف ولف..... ۵۱
- کارل فاندنر..... ۵۵
- نگاهی اجمالی به رساله های جدلی مارتین و فاندنر..... ۶۲
- ب: هیأت های تبلیغی مسیحی..... ۷۲
- هیأت مبلغان پرسبیتی..... ۷۵
- هیأت مبلغان لازاری..... ۸۴

فصل دوم: جامعه‌ی ایرانی و فعالیت‌های تبلیغی مسیحی (۱۲۱۳-۱۲۶۴/۱۲۹۷-۱۸۴۸)

۹۲	مدخل.....
۹۵	خلقیات مذهبی جامعه‌ی قاجاری از نگاه مبلغان مسیحی و دیگر فرنگیان.....
۱۰۹	حکام و دولتمردان قاجاری در برخورد با مبلغان مسیحی.....
۱۲۷	واکنش علمای دینی و اصحاب تصوف در قبال کوشش‌های تبلیغی مسیحی.....
۱۴۷	نتیجه‌گیری.....
۱۵۰	کتاب‌نامه.....

(Abbreviations)

کوتاه نوشت‌ها:

BDCM	<i>Biographical Dictionary of Christian Mission</i>
EA	<i>Encyclopedia Americana</i>
EIr	<i>Encyclopedia Iranica</i>
ER	<i>Encyclopedia of Religion</i>
ERE	<i>Encyclopedia of Religion and Ethics</i>
IJBIPS	<i>Iran: Journal of the British Institute of Persian Studies</i>
JAOS	<i>Journal of the American Oriental Society</i>
JSIS	<i>Journal of the Society for Iranian Studies</i>
StIr	<i>Studia Iranica</i>
ZDMG	<i>Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft</i>

کلیات

مقدمه

۱- درباره‌ی موضوع

گسترش قابل ملاحظه‌ی حوزه‌ی نفوذ قدرت‌های غربی به ویژه در دو قرن اخیر که گاه از آن به عنوان «امپریالیسم» یاد می‌شود با موجی نوین از جنبش‌های تبلیغی مسیحی هم‌زمان افتاد. این موج جدید که خاستگاه آن، ممالک شمالی اروپا، خصوصاً نواحی ژرمن‌نشین و انگلستان بود، از سویی واکنشی معنوی در برابر تحولات جدید علمی، فلسفی، اجتماعی، و صنعتی بود و از سوی دیگر علاوه بر این که رویکردش به فعالیت‌های تبلیغی، به ویژه در زمینه‌ی نگاهی که به جوامع اسلامی شرق داشت، متأثر از همان تحولات بود، از بازوی توانمند تمدن جدید نیز بهره‌ی فراوان برد. به نظر می‌رسد جنبش‌های جدید تبلیغی در قلمرو آیین پروتستان، بیش از هر چیز «انجیل» و «مسیحیت درونی شده» را به عنوان محور و کانون فعالیت‌های خود، پیش رو داشته است، از این رو بود که موج یاد شده به «نهضت پیداری انجیلی»^۱ موسوم گشت و در عرض تقریباً چهار دهه (۱۷۹۰ - ۱۸۳۰/۱۲۰۵ - ۱۲۴۵) گستره‌ای به وسعت آمریکا، آسیا، و آفریقا را تحت تاثیر قرار داد.

از جمله سرزمین‌هایی که توجه مبلغان انجیلی را به خود جلب نمود، ممالک اسلامی، خاصه حوزه‌ی شمال هند، ایران، عثمانی و نواحی قفقاز بود. علت اصلی حضور چشمگیر مبلغان در مناطق یاد شده، افزون بر حضور جوامع کوچک مسیحی شرقی همچون ارمنه و نصرانی‌ها که در حوزه شمال غرب ایران، قفقاز، و شرق عثمانی پراکنده بودند، امنیت و امکاناتی بود که از سوی دولت‌های غربی و نمایندگان سیاسی - تجاری آن‌ها از جمله شرکت هند شرقی بریتانیا در اختیار نهاده می‌شد. با این وجود، این مطلب به معنای آن نیست که مبلغان یاد شده، مطلقاً نمایندگان دولت‌های غربی و یا شرکت‌های بزرگ تجاری بوده‌اند. عمده حمایتی که از آن‌ها می‌شد مربوط به نهادهای تبلیغی نسبتاً مستقل نظیر «انجمن تبلیغی کلیسای انگلیکان»^۲ (CMS) و «انجمن رایزنان آمریکایی برای مسیون‌های خارجی»^۳ بود. اگر چه تردیدی نیست که به هر حال

1 -Evangelical Awakening

2 -Anglican church Missionary Society

3 -American Board of Commissioners for Foreign Missions

مبلغان مسیحی نمایندگان فرهنگ و تمدن غربی بودند و اقدامات تبلیغی آن‌ها به ویژه در حوزه‌ی آموزشی - مذهبی پیوند مستقیمی با پیشرفت اهداف قدرت‌های غربی در جهت گسترش نفوذ خود در این مناطق داشت. در این جا نکته‌ای که جلب توجه می‌کند نحوه‌ی حضور مبلغان مسیحی در جوامع اسلامی و کیفیت برخورد این جوامع با آن‌هاست. در یک نگاه اجمالی می‌توان وجوهی از تفاوت را در نحوه‌ی برخورد جوامع یاد شده با این مسأله ملاحظه نمود. برای مثال در حوزه هندوستان که علی‌رغم وجود حاکم نشین‌های مسلمان تا اواخر قرن هجدهم / دوازدهم، تقریباً زیر سلطه‌ی کامل بریتانیا قرار گرفته بود، مبلغان آزادی عمل بیشتری داشتند و خصوصاً پس از سال ۱۸۱۳/۱۲۲۸ که حکومت هند انگلیس، تبلیغ را در آن سرزمین مجاز اعلام نمود، فعالیت‌های ایشان گسترش یافت. همچنین به ظاهر در میان مسلمانان هند بود که مبلغان پر تلاشی چون «هنری مارتین»^۱ و «کارل فاندنر»^۲ در ترغیب چند تنی به گروه مسیحیت کامیاب بودند. با این وجود گسترش دامنه‌ی تبلیغ این مبلغان به حوزه‌ی مسلمانان، سبب شد که نهایتاً شماری از علمای مسلمان آن سرزمین به رهبری «شیخ رحمت اله الهندی» در صدد پاسخ‌گویی به دعاوی آنان بر آیند و در سال ۱۸۵۴/۱۲۷۰، مناظره‌ای میان عالم یاد شده و کارل فاندنر، در آگره برگزار شد. همچنین ظاهراً شورش گسترده‌ی ۱۸۵۷/۱۲۷۳ مردم هند علیه انگلیسی‌ها، تا اندازه‌ای متأثر از اوج گرفتن فعالیت‌های تبلیغی بوده است. در نواحی مسلمانان نشین قفقاز واکنش نسبت به فعالیت‌های مبلغان پروتستان، نه از سوی مسلمانان، بلکه از سوی دولت تزاری صورت گرفت که در سال ۱۸۳۶/۱۲۵۲ تبلیغ را ممنوع اعلام کرد و مپسیونرها را از آن مناطق بیرون راند.

در عثمانی نیز که در قرن نوزدهم اغلب درگیر تعرضات و آشوب‌های درونی بود و مسیر اضمحلال می‌پیمود، با وجود اقداماتی که در جهت اعطای امتیازاتی به مسیحیان آن کشور صورت پذیرفت،^۳ ظاهراً

1 - Henry martyn

2- Karl Pfander

۳- در این زمینه بنگرید به فتوای سلطان سلیمان دوم به سال ۱۷۶۴/۱۱۷۹ در:

ZDMG, 28 (1847) PP. 326-330

و نیز مواد «خط شریف گلخانه»، که در سال ۱۸۳۹/۱۲۵۵ توسط سلطان عبدالمجید صادر گشت، نک به :

ارامنه‌ی ارتدکس مهم‌ترین مخالف فعالیت مبلغان انجیلی بودند.^۱ در این میان ایران نیز به عنوان یک سرزمین اسلامی با هویت شیعی، همچون دیگر جوامع یاد شده پذیرای مبلغان و هیأت‌های تبلیغی بوده است. از این رو بررسی کیفیت حضور اولیه‌ی این گروه از نمایندگان تمدن غربی در ایران که همزمان بود با دوره‌ی نسخت قاجاریه و کیفیت برخورد جامعه‌ی ایرانی با ایشان، جالب خواهد بود.

۴- طرح مسأله و پرسش‌های اصلی

دوره‌ی پنجاه ساله‌ی حکومت فتحعلی شاه (۱۲۱۳-۱۲۵۰/۱۷۹۷-۱۸۳۴) و محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴/۱۸۳۴-۱۸۴۸)، به ظاهر شاهد دو مرحله از فعالیت مبلغان مسیحی، در ایران است؛ در مرحله‌ی نخست که تقریباً از سال ۱۸۱۰/۱۲۲۶ و با ورود مبلغ گمنامی موسوم به «یوسف پادری» آغاز شد و تا سال‌های پایانی حکومت فتحعلی شاه به طول انجامید، شاهد فعالیت انفرادی مبلغان انجیلی می‌باشیم که تأکید عمده‌ی ایشان بر تبلیغ میان اکثریت مسلمان با محوریت مباحث جدلی می‌باشد. نقطه‌ی اوج آن نیز اقدامات هنری مارتین، مبلغ پر آوازه‌ی انگلیسی در زمینه نگارش رساله‌های جدلی علیه اسلام است. در مرحله‌ی دوم که مربوط به چهارده سال حکومت محمد شاه است، نظاره‌گر حضور هیأت‌های تبلیغی مسیحی می‌باشیم که محور فعالیت‌های خود را - احتمالاً متأثر از تجربه‌ی تبلیغ در میان مسلمان - بر تبلیغ میان اقلیت‌های مسیحی، خصوصاً در نواحی شمال غرب ایران، متمرکز نموده، تاسیس مدارس به شیوه‌ی جدید را مورد توجه قرار دادند. آن چه در این پژوهش به عنوان مسأله‌ی اصلی مورد توجه قرار گرفته است، کیفیت حضور مبلغان مسیحی در ایران این دوره و نحوه‌ی مواجهه‌ی جامعه‌ی ایرانی، خصوصاً حکام و کاربدستان دیوانی و نیز علمای مذهبی، با فعالیت‌های تبلیغی ایشان است. بررسی این مسأله از دو منظر دارای اهمیت است. نخست آن که جامعه‌ی ایرانی در این مقطع، به ویژه در جریان دو دوره جنگ با روسیه (۱۲۱۸-۱۲۲۸/۱۸۰۴-۱۸۱۳، ۱۲۴۱-۱۲۴۳/۱۸۲۶-۱۸۲۸) در برابر تمدن پیشرفته‌ی غربی قرار گرفت و مرحله‌ای از شناسایی آن

J.C.Hurewitz, The Middle East and North Africa in world Politics, A Documentary Record (New Haven and London: Yale University Press, 1975) Vol. 1, PP 315-318
1-Elie Kedourie, The chatham House Version and other Middle Eastern studies (London: WeildenFeild, n.d) PP.287 288

را پشت سر می نهاد. بر این اساس از آن جا که مبلغان مسیحی نیز به هر حال نمایندگان همان تمدن بودند، بررسی رفتار این جامعه در قبال ایشان می تواند تا اندازه ای نمایانده‌ی تلقی ذهنی ایرانی ها از شرایط جدید باشد. دیگر آن که ایران دوره‌ی قاجار، به عنوان میراث دار صفویان، پیش از هر چیز نماینده‌ی یک کشور مسلمان با هویت یکپارچه‌ی شیعی بود و علاوه بر این که طبقه‌ی نسبتاً منسجمی از علمای شیعه در راس امور دینی جامعه حضور داشتند، شاه قاجاری نیز خود را نگهبان و حامی مذهب شیعه قلمداد می نمود. از این رو کیفیت واکنش چنین جامعه‌ی ای به فعالیت های تبلیغی مبلغان، به ویژه در شکل جدلی آن، نکته‌ی ای است که جلب توجه می کند.

در عین حال سوالات دیگری نیز در کنار این مساله‌ی اصلی مطرح می شود:

- ۱- آیا نوع فعالیت های مبلغان از شرایط اجتماعی ایران تاثیر پذیرفته است.
- ۲- احتمالاً چه رابطه‌ی میان مصالح سیاسی و رفتار هیأت حاکمه قاجاری در قبال فعالیت های مبلغان وجود داشته است.
- ۳- آیا می توان با بررسی و تعمق در چند و چون واکنش های صورت گرفته در قبال فعالیت های مبلغان، به برخی تعارضات و کشاکش های درونی جامعه‌ی ایران در این دوره پی برد.

۳- پیشینه و ادبیات تحقیق:

به نظر می رسد موضوع مبلغان و فعالیت های میسیونری با توجه به میزان تاثیر گذاری آنها از جمله موضوعات جذاب بوده است که از چندین سال پیش تحقیقاتی در زمینه‌ی آن صورت پذیرفته است و پژوهشگران هر یک بسته به تعلق ذهنی خود، وجهی از وجوه مختلف این موضوع را مورد توجه قرار داده اند. گویا در میان محققان ایرانی اقبال یغمایی بود که نخستین گام را در این میدان برداشت و مقاله‌ی ای با عنوان «داستانی از مبلغین عیسوی در ایران» در شماره‌های ۶ و ۷ مجله‌ی یادگار به چاپ رساند.^۱ البته مقاله یاد شده در حد اشاره‌ی مختصر به فعالیت های «اوژن بوره»^۲ و هیأت تبلیغی آمریکایی در ارومیه بود.

۱- اقبال یغمایی، داستانی از مبلغین عیسوی در ایران، یادگار، سال سوم، شماره ۶ و ۷، صص ۶۰-۶۶

2-Eugène Boré

«جان الدر»^۱ از جمله مسئولان کلیسای انجیلی ایران، در دوره‌ی مسئولیت خود، به گردآوری اطلاعات مربوط به کارنامه‌ی فعالیت کلیسای انجیلی پرداخت^۲ و مقالانی را نیز درباره‌ی زندگی و فعالیت های برخی مبلغان انجیلی در ایران، در مجله های «نور عالم» و «نور جهان»، وابسته به نهاد کلیسای انجیلی ایران به چاپ رساند. جهانگیر قائم مقامی، که امتیاز پژوهش هایش، تکیه بیشتر بر اسناد است؛ مقاله ای مفصل و بااهمیت را باموضوع «مسئله لازاری ها در ایران» راجع به فعالیت های میسیون لازاری در ارومیه و علل برخی مشکلات موجود بر سر راه اقدامات تبلیغی آن ها، در مجله «بررسی های تاریخی» منتشر نمود.^۳ مقاله‌ی یاد شده به ویژه از آن جهت که ابعادی از ارتباط سیاست و فعالیت های تبلیغی را با تکیه بر پاره ای اسناد، بر می نماید شایسته‌ی نگرش است. امتیاز دیگر این مقاله اشتمال آن بر شماری مکاتبات «کنت دو سارتیز»^۴ سفیر فوق العاده‌ی وقت فرانسه در ایران (۱۲۶۰-۱۲۶۵/۱۸۴۴-۱۸۴۹) با حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمد شاه است که چه از نظر بررسی سیاست فرانسه در قبال مبلغان کاتولیک و چه به جهت آگاهی از رفتار دیپلماتیک آقاسی، سودمند تواند بود. مرحوم عبدالهادی حائری، در فصل های یازدهم و دوازدهم اثر خود با عنوان «نخستین رویارویی های اندیشه گران ایرانی بادو رویه تمدن بورژوازی غرب» موضوع حضور و فعالیت مبلغان عیسوی در ایران دوره‌ی صفوی و قاجار را مورد توجه قرار داده است.^۵ حائری در فصل دوازدهم، به هنری مارتین و فعالیت هایش در ایران و برخی واکنش های صورت پذیرفته نسبت به آن، پرداخته است. البته ایشا ن با توجه به نگاه استعمار ستیزانه ای که بر بحث های کتاب غالب است مارتین را جاسوس انگلیس و ابزاری در جهت پیشبرد اهداف استعماری آن کشور معرفی می نماید که شایسته‌ی تأمل است. نکته‌ی دیگری که ذکر آن سودمند خواهد بود برخی اشتباهات مرحوم حائری در این بخش از تحقیق خود است. از جمله

1 -John Elder

2 -John Elder, History of the Iran Mission(n.p,n.d)

۱- جهانگیر قائم مقامی، مسئله لازاری ها در ایران، بررسی های تاریخی، سال ۶، شماره ۶، صص ۲۲۵-۲۷۱

4-Comte de sartige

۶-عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایرانی با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب، (تهران: امیرکبیر ۱۳۶۹)

صص، ۴۶۹-۵۴۵

اینکه ایشان « یوسف پادری » را با « هنری مارتین » یکی انگاشته^۱ و همین اشتباه را نیز در مورد یکی شمردن « حاجی اصفهانی » مورد اشاره‌ی نایب صدر، با « حاج ملا علی نوری » و نیز انتساب ردیبه‌ی « محمد جعفر کرمانشاهی » مشهور به کبوتر آهنگی تحت عنوان « اثبات النبوه الخاصه » به « محمد جعفر همدانی » معروف به کبوتر آهنگی و « مجذوب علی شاه » تکرار نموده اند.^۲ البته ظاهراً اشتباه اخیر ناشی از تأسی به گزارش تنکابنی در « قصص العلماء » بوده است.

در قلمرو پژوهش های فارسی در این زمینه نوشته های هما ناطق به ویژه در خور توجه است. ایشان در تحقیق ارزشمندی که در مورد تحولات تاریخی دوره‌ی محمد شاه با عنوان « ایران در راهبایی فرهنگی (۱۸۳۴-۱۸۴۸) » به انجام رسانده اند، فصل مستقلی را نیز به « کارنامه‌ی پادریان اختصاص داده، به ویژه فعالیت های تبلیغی - آموزشی هیأت های میسیونری را در دوره‌ی یاد شده بررسی نموده اند.^۳ همچنین در پژوهش دیگری که اخیراً به خامه‌ی ایشان تحت عنوان « کارنامه‌ی فرهنگی فرنگی در ایران (۱۸۳۷-۱۹۲۱) » منتشر شده است به طور مفصل تر و مستند تر به چگونگی رفتار حکومت قاجاری و دیگر بخش های جامعه با فعالیت های تبلیغی و خصوصاً مناسبات و رقابت های این هیأت ها با یکدیگر پرداخته شده است.^۴ افزون بر این سیاست دول عثمانی و روسیه در قبال این هیأت ها و فعالیت های آنان و نقش این سیاست ها در تشدید منازعات و کشاکش ها نکته‌ی دیگری ایست که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. خانم صفورا برومند نیز در تحقیقی با عنوان « پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا (C.M.S) در دوره قاجاریه » که در سال های اخیر منتشر شده است ضمن اشارات مختصری به فعالیت های تبلیغی مبلغان مسیحی در

۱- حابری، نخستین، صص ۵۲۶

۲- همان، صص ۵۲۷، ۵۳۹

۳- هما ناطق، ایران در راهبایی فرهنگی (۱۸۳۴-۱۸۴۸)، (لندن: پیام، ۱۹۸۴) صص ۱۶۹-۲۰۴

۴- هما ناطق، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران (۱۸۳۷-۱۹۲۱)، (تهران: نشر معاصر پژوهان، ۱۳۸۰) صص ۱۶۸-۱۸۸

دوره‌ی مورد نظر، تأکید عمده‌ی خود را متوجه گسترش حوزه‌ی فعالیت انجمن CMS در دوره‌ی ناصر‌ی ساخته است.^۱

در میان پژوهش‌های ترجمه شده که با این حوزه در ارتباط است، می‌توان از کتاب «دنیس رایت» با عنوان «ایرانیان در میان انگلیسی‌ها» نام برد که گفتاری را به بررسی کارنامه‌ی مبلغان مسیحی در ایران اختصاص داده است.^۲ همچنین «حامد الگار» در اثر مشهور خود با عنوان «دین و دولت در ایران» در بحث مربوط به برخورد علما با فرنگی‌ها، اشاره‌ی گذرایی نیز به فعالیت‌های هنری مارتین و واکنش علما نسبت به آن، نموده است.^۳

دیگر می‌توان از اثر تازه منتشر شده‌ی «مونیکا. ام. رینگر»، با عنوان «آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار» یاد نمود که به مقتضای بحث خود اشاراتی نیز به فعالیت‌های آموزشی مبلغان و هیأت‌های تبلیغی و نیز برخورد حکام قاجاری با این فعالیت‌ها نموده است.^۴

در حوزه‌ی تحقیقات به زبان انگلیسی نیز می‌توان به کتاب «واترفیلد» زیر عنوان «مسیحیان در ایران»^۵ اشاره نمود که ضمن بررسی تاریخ حضور مسیحیت در ایران، بخش‌هایی را نیز به بررسی کارنامه‌ی مبلغان اختصاص داده است. همچنین اخیراً آقای عباس امانت در مقاله‌ی ارزشمندی با عنوان «مجتهدان و مبلغان: پاسخ شیعیان به جدل‌نامه‌های مسیحی در دوره‌ی قاجار»^۶ به نحو بسیار جالبی به بررسی فعالیت‌های جدلی هنری مارتین و واکنش‌های صورت پذیرفته در برابر آن پرداخته است. ایشان ظاهراً نخستین بار به هويت

۱- صفورا پرومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا (CMS) در دوره قاجار، (تهران: بنیاد تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱) صص ۳۲-۷۴

۲- دنیس رایت، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ترجمه لطفعلی خنجی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹) صص ۱۳۰-۱۴۵

۳- حامد الگار، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: توس، ۱۳۶۹) صص ۱۶۷-۱۷۰

۴- مونیکا. ام. رینگر، آموزش، دین و گفتمان اصلاح دینی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران: ققنوس، ۱۳۸۱) صص ۱۲۵-۱۳۸

5 -Robin.E. Waterfield, *Christian in Persia* (London:George Allen,1973),PP.89-97

6 -A.Amanat, " *Mujtahids and Missionaries, Shī'ī Responses to Christian polemics in the Early Qajar Period*" in. R.Gleave (ed.), *Religion and Society in Qajar Iran*, (London:Routledge Curzon, 2005)PP.247-269

مستقل « ژوزف سباستیانی » که در منابع مربوط به این دوره به « یوسف پادری » مشهور شده و غالباً با هنری مارتین ، یکی شمرده شده است ، اشاره نموده اند . دیگر در این زمینه باید از پژوهش های اخیر آقای «دانیل زادیک» در حوزه ی مباحثات مذهبی شیعیان با یهودیان و مسیحیان ، یاد نمود که به ویژه از نظر آشنایی با فعالیت های جدلی علمای شیعه ارزشمند است.^۱

۴- روش و نوع تحقیق

روشی که در جریان این تحقیق به کار گرفته شده ، روش «تحقیق تاریخی» است که مبتنی بر گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای و آرشیوی موجود و کاربست روشمند این اطلاعات در جهت اثبات یا رد فرضیه ی مطرح شده در برابر مسأله ی اصلی تحقیق، بوده است. همچنین سعی بر آن بوده است که به ویژه در زمینه ی ارجاع مطالب نقل شده و ذکر منابع، روشی جدید و معتبر مورد استفاده قرار گیرد. همچنین رویکرد اصلی این تحقیق بر توصیف رخدادها ی تاریخی بوده و در مواردی نیز برخی اشاره های تحلیلی صورت پذیرفته است.

۵- دشواری ها، موانع و تسهیلات تحقیق

با توجه به اهمیت منابع درجه ی یک در پژوهش های تاریخی، عموماً مهم ترین موانع در راه انجام یک تحقیق قابل قبول متوجه همین بخش از کار است. در این پژوهش نیز تلاش بر آن بوده است که حتی الامکان، در نقل مطالب و توصیف رخدادها، تکیه ی اصلی بر منابع دست اول باشد. با این وجود، متأسفانه در مواردی نبود منابع دست اول و بی نتیجه بودن تلاش نگارنده برای فراهم نمودن آنها، سبب شده است که به منابع دست دوم و یا گزارش منابع دیگر، اعتماد شود. برای نمونه با وجود اهمیت مقاله های «ا. سپسی» درباره ی اوضاع دولت و جامعه ی ایران در دوره ی محمدشاه، اینجانب علیرغم پیگیری، موفق به دستیابی به آنها نشدم. همچنین، منبع ارزشمندی چون «مکاتبات و خاطرات اوژن بوره» و بسیاری از گزارش های دیگر مربوط به این دوره، صرفاً در کتابخانه ها و آرشیوهای خارجی قابل دسترسی است. همین وضعیت در مورد اسناد مرتبط با

1-Daniel Tzadik, "Religious Desputations of Imami shī'īs Against Judaism" *SIr* 34 (2005), PP.94-135, Idem "Nineteenth Century shī'ī Anti-christian Polemics" *JSIS* 37(2004)P.5-15